

سیاست های فرهنگی، هنری و تجاری قالی ایرانی دوران قاجاریه (۱۳۲۹ تا ۱۳۴۴)

آذر رسولی^۱

امید علی مسعودی^۲

علی دلاور^۳

چکیده

در دوران قاجاریه پس از اینکه آرامش نسبی در زمان پادشاهی فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار برقرار شد، بستری برای تولید فرش های نفیس ایرانی مهیا شد. در این عصر سیاحان اروپایی توجه تاجران و مردم اروپا و آمریکا را به فرش دستباف ایران جلب کردند. در اواسط قرن ۱۹م/۱۳ق تحولی در تولید قالی ایرانی در جهت تامین بازار جهانی رخ داد و شرکت های خارجی به سرمایه گذاری در تولید و تجارت قالی ایران علاقه مند شدند. در پی این تحولات بود که برخی از کشورهایی که در صنعت فرش دستباف دارای مزیت بودند به فکر توسعه این صنعت افتاده و به عرصه رقابت در تجارت بین المللی آن وارد شدند. این رقابت در بازار جهانی بعد از جنگ بین الملل اول شدت یافت و همواره تولید کنندگان بزرگ فرش در تصاحب بازارهای جهانی به خصوص بازار اروپا و آمریکا در رقابت با یکدیگر قرار داشتند.

با مطالعه اخبار، مطالب و تبلیغات رسانه ای در ادوار گذشته متوجه می شویم در دوره قاجاریه به ویژه در دوره احمدشاه و محمدعلی شاه صدور فرش ایران در مقایسه با کشورهای رقیب نسبتاً چشمگیر و رو به افزایش بوده است. مروری بر مطبوعات این زمان موید آن است که بخشی از مطبوعات اقدام به معرفی و کمک به رفع مشکلات پیش روی قالی ایران کرده اند. نگاه حاکمیتی و موضوعاتی که روزنامه نگاران آن دوره بر آن صحنه می گذاشتند قابل تأمل است. به همین دلیل در این پژوهش مساله این است که محتوای تبلیغات، اخبار و فرایند آرایه این تبلیغات و گزارش ها به چه نحوی بوده است و اینکه موضوعات مطرح و مورد بحث و احیانا راهکارهای پیش روی در آن دوره چگونه بوده تا بتوان با استفاده از آن اطلاعات نسبت به تدوین یک برنامه راهبردی چه در حوزه رسانه و چه در حوزه اجرایی پیرامون قالی کشور اقدام کرد.

اهداف پژوهش :

۱. سیاست های دوره قاجار در خصوص قالی ایرانی .
۲. بررسی سیاست های فرهنگی و هنری دوره قاجار .

^۱ دانشجوی دکتری azar.rasouli@gmail.com

^۲ استاد راهنما، عضو هیات علمی دانشگاه سوره oamasoodi@yahoo.com

^۳ استاد مشاور، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی delavari@yaho.com

سوالات پژوهش :

۱. در دوره‌ی قاجار در مورد صادرات فرش دستباف چه دستوراتی از سوی حاکمان داده شده است ؟
۲. سیاست‌های اجرایی در خصوص مبحث هنری قالی در این دوره چه بوده است ؟

واژگان کلیدی :

فرهنگ، قالی، قاجار، هنر، ایرانی.

مقدمه

قاجار، دوره‌ای مهم در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تاریخ سرزمین ایران است. این دوره را می‌توان عصر مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فکری با غرب نیز نامید که دارای جریان دوسویه تأثیرپذیری از غرب و نیز مقاومت در مقابل این هجوم بوده و در حوزه تأثیرات فرهنگی، این جریان دوسویه را بیشتر می‌توان دید.

از اواسط دوره قاجار در هنر- صنعت فرش از نظر مدیریتی، عوامل حمایتی و نظارتی، ابعاد و اندازه و نیز طرح و نقش، تغییرات عمده‌ای به وجود آمده است؛ چنانچه در پایان سده سیزدهم هـ ق/ سده هیجدهم میلادی افزایش ناگهانی تقاضای اروپا و آمریکا برای قالیهای ایران، آنهم به مقدار زیاد، باعث شد تا فرش ایران احیاء و در مناطق تولید فرش دستباف، مقدمات تولید انبوه و به دنبال آن توجه دولتمردان به توانمندی‌های اقتصادی فرش فراهم گردد. در واقع از دهه آخر سده سیزدهم هـ ق، فرش ایران به مرحله دیگری قدم نهاد که اهمیت آن در تجارت و درآمد ارزی چند دهه اخیر ایران، انکارناپذیر است. برخی از عواملی که در شهرت فرش‌های قدیم و جدید شرقی سهمی عمده داشتند عبارت بودند از ایجاد نمایشگاه‌های بزرگ جهانی و به نمایش گذاشتن فرش دستباف ایرانی حرف و فنون و هنرهای در موزه‌های مهم دنیا، جنبش حر آن عصر در انگلستان و پدیده‌های مشابه در اروپا که باعث تغییرات در نحوه و سبک تزئین و مبلمان منزل می‌شد و نیز افزایش قدرت خرید طبقه متوسط کشورهای غربی که به این تقاضا کمک می‌کرد (اتیک، ۱۳۸۴: ۹۸).

قالی دستباف ایران افزون بر جنبه فرهنگی، هویتی و تاریخی نقش ارزشمندی در اقتصاد ملی کشور به عنوان ارزنده ترین، مهمترین و ارزآورترین کالای صادراتی غیر نفتی داشته است. این کالای هنری که هم ثروت است و هم سرمایه، هم صنعت است و هم دانش، برای بقا و تداوم حیات خود در شرایطی که کشورهای دیگر نیز به عنوان رقیب برای تسخیر بازارهای جهانی در حوزه قالی و انواع دستبافته‌ها در تلاشند، می‌بایست موانع را از سر راه صادرات برداشت و عواملی که باعث تولید قالی نامرغوب می‌شود را تا حد امکان از بین برد. همچنین می‌توان با گذاردن قوانین سخت

عنوان مقاله: سیاست‌های فرهنگی، هنری و تجاری قالی ایرانی دوران قاجاریه (۱۳۲۹ تا ۱۳۴۴)

گمرکی از صادرات قالی‌های نامرغوب که موجب خرابی بازار هدف می‌شود جلوگیری کرد و نیز از واردات مواد اولیه نامرغوب جلوگیری به عمل آورد.

در دهه آخر قاجار بخش اعظمی از قالی‌هایی که در دنیا مخصوصاً در کشورهای امریکا و اروپایی عرضه می‌شد، ایرانی بودند. به تدریج عوامل مختلفی از جمله مواد اولیه نامرغوب، عدم توجه به بافت قالی‌های صادراتی و از سویی نیز نبود تبلیغات مناسب و ارتباطات تجاری صحیح دست‌به‌دست دادند تا کشورهای رقیب نظیر چین، پاکستان و ترکیه توانستند بازار فرش ایران را در کشورهای خارجی تصاحب کنند و بدین طریق بخش اعظمی از درآمد مملکت و هنر قالی و قالیبافی رو به افول گذاشت.

با مطالعه مطبوعات در ادوار گذشته متوجه می‌شویم در دوره قاجاریه به ویژه در دوره احمدشاه صدور فرش ایران در مقایسه با کشورهای رقیب نسبتاً چشمگیر و رو به افزایش بوده است. مروری بر مطبوعات دوره قاجار در زمینه قالی ایران بخشی از تاریخی از قالی را برای ما روشن می‌کند که این دوره، دوره صعود صادرات قالی ایرانی به کشورهای مختلف بوده است. آشنایی با نگاه حکومتی به قالی، بررسی مسائل و مشکلات موجود در آن زمان برای قشر قالیباف و تجار قالی، همچنین بررسی موضوع‌های مختلف در زمینه قالی می‌تواند بخشی از تاریخ تاریک قالی ایران را روشن کند، چه بسا که راهگشا باشد.

قالی ایران فرهنگ و ثروت ایران

قالی ایران با داشتن پیشینه ای چند هزار ساله، همواره مورد توجه مردم دنیا بوده است و از دیرباز نام "قالی" با "ایران" پیوندی عمیق و ناگسستنی داشته است و بسیاری از موزه های نامی دنیا به داشتن قطعه‌ای از قالی ایرانی به خود می‌بالند.

قالی ایرانی که از گذشته تا حال ثروت و سرمایه ایران محسوب می‌شود برای بقا و تداوم حیات خود در شرایطی که کشورهای دیگر نیز به عنوان رقیب برای تسخیر بازارهای جهانی در حوزه قالی و انواع دستبافته‌ها در تلاشند و همچنین در وضعیتی که انواع زیراندازهای صنعتی جایگزین قالی‌های دستباف ایرانی شده است؛ به واقع نیازمند توسعه و گسترش بازار و نیز معرفی و بازشناساندن اثربخش ارزش‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد خود به مصرف کنندگان داخلی و خارجی است و همچنین برطرف کردن موانع و مشکلات برای داشتن قالی خوب و باکیفیت و امکان صادرات و فروش آن در بازارهای جهانی از ضروریات است.

در دهه آخر قاجار بخش اعظمی از فرش‌هایی که در دنیا مخصوصاً در امریکا و اروپا عرضه می‌شد، ایرانی بودند. اقتصاد ایران در سده نوزدهم نظامی نیمه‌ایستا و پیش‌سرمایه‌داری بود. در این دوران، انباشت سرمایه به‌گونه‌ای نامطلوب سامان‌دهی می‌شد، به این معنی که واحدهای تولیدی کوچک باقی می‌ماندند، به‌طوری‌که صرفه‌جویی ناشی از تولید انبوه ایجاد نمی‌شد. این واحدها به‌لحاظ اقتصادی کم‌بازده بودند و توان رقابت نداشتند. این مسئله بر افزایش هزینه اجتماعی تولید در اقتصاد دلالت می‌کرد، چراکه اولاً در هر نظام اقتصادی نبود سرمایه‌گذاری حاکی از این است که اگر ابزارآلاتی هم به کار نروند، ساده و کم‌بازده هستند و ثانیاً با در نظر گرفتن اندازه کوچک واحدهای تولیدی نیروی کار فقط شامل بخشی بدوی و اولیه می‌شود و به‌ندرت امکان پرورش نیروی متخصص - مگر به اقتضای طبیعت - به وجود می‌آید (دکتر احمد سیف).

در مطالعه تاریخی برای این پژوهش، با مطالعه اخبار، مطالب و تبلیغات رسانه ای در ادوار گذشته متوجه می‌شویم در دوره قاجاریه به ویژه در دوره احمدشاه و محمدعلی شاه صدور فرش ایران نسبتاً چشمگیر و رو به افزایش بوده است. مروری بر مطبوعات این زمان موید آن است که بخشی از مطبوعات اقدام به معرفی و رفع مشکلات پیش روی قالی ایران کرده است. نگاه حاکمیتی و موضوعاتی که روزنامه نگاران آن دوره بر آن صحنه می‌گذاشتند قابل تأمل است. به همین دلیل در این پژوهش مساله این است که محتوای تبلیغات، اخبار و فرایند ارایه این اخبار، تحلیل‌ها و گزارش‌ها به چه نحوی بوده است و اینکه موضوعات مطرح و مورد بحث و احیاناً راهکارهای پیش روی در آن دوره چگونه بوده تا همچون چراغی بر تاریکی آن برهه تاریخی بتوان اقداماتی را که برای مسائل گوناگون انجام می‌شده را بازنمایی کرد.

روش پژوهش

در این تحقیق با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسناد ابتدا به مطالعه و بررسی تاریخچه و سوابق تحقیقات صورت گرفته در موضوع و شناسایی موضوع‌های پیرامون قالی و اثرگذاری شرایط اجتماعی سیاسی بر این هنر-صنعت می‌پردازیم. همچنین با استفاده از روش تحلیل و نرم افزار آماری داده‌ها تحلیل شد.

ویژگی های هنری و بصری قالی قاجاری

مفهوم بهشت، در فرهنگ اسلامی ایران، از جایگاه خاصی برخوردار بوده و در قرآن، احادیث و روایات، به شکل مبسوطی وصف شده است. فضای آرمانی و مسحور کننده بهشت، همواره دغدغه بسیاری از هنرمندان مسلمان، در خلق آثار هنری بوده است. به ویژه قالی‌های قاجار که این مفهوم را با بهره‌گیری از اندیشه‌های اسلامی تجلی بخشیده‌اند. دوران قاجار،

به لحاظ رشد و توسعه قالی بافی و خلق نمونه‌های فراوان و برجسته (با وجود کاستی‌ها و نقاط ضعف آن) در تاریخ این هنر حائز اهمیت است.

بهشت، به معنی "بهترین مکان" یا "بهترین زندگی"^۴، به نام‌های جنت، فردوس، خلد، دارالسلام، ظلال، حظیره قدس، یسری و مینو خوانده شده است.^۵ این فضای آرمانی و مطلوب در اندیشه و روان ایرانیان از گذشته‌های دور تاکنون به طریقی در آثار هنری، باغ‌ها و حتی بناهایی که به وجود آورده ان ظهور و بروز یافته است.

یکی از آثار هنری که بستر ظهور این زیبایی‌های بهشتی گشته، قالی است. انعکاس بهشت در قالی، سابقه‌ای دیرین دارد که به قالی "بهارستان" در زمان خسرو پرویز ساسانی می‌رسد. به روایت ابوعلی مسکویه رازی، "در نقش آن راه‌ها می‌دید که از نگارهای گوناگون پدید شده بود و جویباری از گوهرها که در بافت آن به کار برده بودند و دیری که در میانه به چشم می‌خورد. بر کناره‌های کشتزاری بود سرسبز و پر گیاه. بر آن نگاره‌هایی بنگاشته بودند ... زمینه‌اش زربفت و نقش آن از گوهرها ... بر شاخه‌های زرینش گل‌هایی از زر و سیم و برگ‌های آن از دیبای زربفت ..."^۶ در قالی‌های دوران صفویه نیز که نفیس‌ترین و زیباترین قالی‌ها، متعلق به آن برهه تاریخی‌اند شواهد بسیاری از انعکاس بهشت در آن‌ها وجود دارد که مورد تایید صاحب نظران نیز می‌باشد. این روند، در دوران قاجار نیز همچنان ادامه یافته و از این دوران (۱۲۱۰-۱۳۴۳ق)، قالی‌های بسیاری به جا مانده که به وضوح می‌توان نشانه‌ها و مصادیق بهشت را در آن‌ها مشاهده نمود. بی‌گمان فرهنگ شیعی و اسلامی که بنیانگذاران صفوی، آن را در ایران رواج و گسترش دادند در این دوران نیز بر ذهنیت و افکار هنرمند طراح قالی تأثیری به سزا داشته و مصداق آن نمونه‌هایی است که هنرمند فضای بهشتی را بر توصیفات اسلامی به تصویر کشیده است.

اغلب صاحب نظران مانند محمد زکی حسن، معتقدند که عصر طلایی قالی بافی ایران، قرون دهم و یازدهم/ شانزدهم و هفدهم (دوران صفویه) بوده است و پس از آن در دوره قاجار، این هنر رو به انحطاط و ضعف نهاده است.^۷ از جمله دلایل این امر استفاده از رنگ‌های شیمیایی به جای گیاهی، تمایل به ساده‌تر نمودن نقوش به منظور سرعت بخشیدن به آهنگ بافت و تولید و به طور کلی کاهش هزینه‌ها برای دست یافتن به سود بالاتر که در پی افزایش تقاضا و سرمایه گذاری شرکت‌های خارجی صورت گرفت، می‌باشد.^۸ بدین ترتیب قالی‌های این دوره طی سالیان دراز همواره زری سایه یک نگاه کلی و گاه مغروضانه که در آن معایب و کاستی‌ها بر دیگر جنبه‌ها فائق آمده قرار گرفته است. اما علیرغم تمام

^۴ - پیرنیا، ۱۳۷۳ : ۵

^۵ - یا حقی، ۱۳۸۶: ۲۲۹

^۶ - مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۳۲۵-۳۲۶

^۷ - حسن، ۱۳۶۳: ۱۵۶

^۸ - آذرپاد، حشمتی رضوی، ۱۳۷۲: ۱۷

کمبودها و ضعف‌ها اهمیت و حضور چشمگیر این هنر در عرصه فرهنگ و اقتصاد کشور در دوران قاجار اقتضا می‌کند تا زوایای پنهان و مغفول مانده این قالی‌ها به ویژه در زمینه طرح و نقش از منظری دیگر و با نگاهی مجدد و عمیق‌تر کاویده شود. از طرح‌های رایج در قالی‌های این دوره می‌توان از هراتی^۹، مینا خانی^{۱۰}، لچک ترنج^{۱۱}، گل فرنگ^{۱۲} و طرح‌های شبکه‌ای با نقش‌های اسلیمی و شاه عباسی نام برد. ضمن اینکه نقش مایه بته جقه^{۱۳} نیز حضور شایانی داشته و موضوعات تصویری بخش قابل توجهی از قالی‌ها را به خود اختصاص داده است.

دوره قاجاریه دوره معرفی فرش ایران به جهانیان و رونق تجارت بین‌المللی آن بود. بسیاری از مردم دنیا که از طریق سیاحان، تاجران یا سیاستمداران با فرش ایران آشنا می‌شدند به جرگه مشتریان فرش ایران می‌پیوستند تا جایی که در سال ۱۹۰۶م/۱۳۲۴ق هفده کشور دنیا از خریداران فرش ایران بودند. این رونق تجارت در صنعت فرش دستباف، کشورهای بسیاری از جمله چین، هند، ترکیه، ممالک شمالی آفریقا و حتی در بعضی از ممالک اروپا مانند بلغارستان و یونان و فرانسه و غیره را که شرایط فعلی در تولید فرش را داشتند ترغیب کرد که این صنعت را شروع یا در صورت داشتن سابقه توسعه دهند. در اینجا به بررسی جایگاه ایران در برابر اکثر کشورهای تولیدکننده فرش دستباف در دنیا می‌پردازیم.

۱. موقعیت ایران در بین صادرکنندگان فرش در دنیا

در اواخر دوره قاجاریه به خصوص بعد از جنگ جهانی اول^{۱۴} رقابت جهانی در تجارت فرش دستباف شدت یافت و همواره تولیدکنندگان بزرگ فرش دستباف در تصاحب بازارهای جهانی فرش به خصوص بازار آمریکا و اروپا در رقابت با یکدیگر قرار داشتند. کشورهای چین، هندوستان و ترکیه از مهمترین رقبای ایران بودند که در سال‌های پایانی دوره قاجاریه توانستند سهم خود از بازار بین‌المللی فرش را افزایش دهند.^{۱۵}

۹ - به طرح ماهی یا ماهی درهم، چون بار نخست در هرات (شهری در خراسان قدیم و اینک در شمال غربی افغانستان) دیده شده طرح هراتی نیز می‌گویند. این طرح اینک در آذربایجان، خراسان، اراک، همدان، بیجار، سنندج و برخی نقاط دیگر بافته می‌شود و گونه‌هایی نیز دارد. (آذرباد و حشمتی رضوی، ۱۳۷۲: ۱۱۹)

۱۰ - در این نقش، گل کوچک چند پری که در اطراف آن چهار عدد گل سفید که یادآور گل نرگس است قرار گرفته‌اند. نقش‌های مختلف روی این قالی توسط حرکت زیبا و هم‌نوا شاخه‌های نازک به همدیگر متصل شده‌اند. (وکیلی، ۱۳۸۲: ۳۹)

۱۱ - لچک و ترنج از طرح‌های بسیار قدیمی است که در هنرهای ملی ایران به کرات مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاربرد این طرح برای تزئین جلد کتاب‌ها با ترکیبی از هنر تذهیب از روزگاران گذشته متداول می‌باشد. (وکیلی، ۱۳۸۲: ۳۹)

۱۲ - طرحی ترکیبی از نگاره‌های سنتی فرش ایران با نقش گل‌های طبیعی و بیشتر گل سرخ که به آن گل فرنگ گفته می‌شود. در این طرح رنگ‌های تند جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین در نقش قالی‌های راور کرمان از نگاره‌های گل فرنگ بهره زیاد می‌گیرند. (آذرباد و حشمتی رضوی، ۱۳۷۲: ۱۱۵)

۱۳ - نقش تخریدی که مانند سروی سرخم کرده است. درخت سرو در ایران باستان مقدس شمرده می‌شده است. (همان، ۱۲۹)

۱۴ - مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۰۰۴۱۷۱۹۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ن ۳ الف الف ۱، ص ۹. (۴)

۱۵ - مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۰۰۴۱۷۱۹۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ن ۳ الف الف ۱، ص ۴. (۱)

فرش ایران در دوره قاجاریه در بازار آمریکا دارای جایگاه ویژه‌ای بود و تولید کنندگان عمده ایران بخشی از این بازار را در اختیار داشتند. در اینجا بر اساس گزارش «وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه»^{۱۶} برای بررسی موقعیت ایران در بین صادرکنندگان فرش در دنیا، به مقایسه میزان صادرات فرش ایران در بازار آمریکا با سه کشور چین، هند و ترکیه طی سال‌های ۱۳۲۵/م تا ۱۳۴۴/م می‌پردازیم.

کل واردات فرش به آمریکا در سال ۱۳۲۵/م برابر با ۷۶۶،۳۵۱ یارد مربع بود که در سال ۱۳۴۴/م یعنی ۱۹ سال بعد از آن به بیش از دو برابر یعنی ۱،۵۶۳،۸۹۲ یارد مربع فرش افزایش یافت. همزمان با این افزایش تقاضا برای فرش دستباف، صنعت فرش‌بافی در برخی کشورها رواج و رونق فوق‌العاده‌ای گرفت. در تحلیلی که «وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه» در دهه ۱۳۴۰/م تا ۱۳۴۰/م در مورد وضعیت تجارت و صنعت فرش در بازارهای جهانی به مقام منیع هیئت وزراء نوشته آمده است:

« در این اواخر صنعت قالیبافی به علت زیادی مشتری، در ممالک مختلفه از قبیل چین و هند و تریکه و ممالک شمالی آفریقا حتی در بعضی از ممالک اروپا مانند بلغارستان و یونان و فرانسه و غیره رواجی به سزا یافته و فرش‌های سایر ممالک مخصوصا چین در بازارهای مهم جهان شروع به رقابت شدیدی با قالی‌های ایران نموده‌اند.»^{۱۷}

در این دوران صادرات فرش در دنیا در کشورهایی مانند چین آنقدر رشد داشت که ترقی صادرات فرش ایران با توجه به سابقه دیرینه فرش‌بافی در این کشور قابل قبول نیست. فرش‌هایی که از چین به آمریکا صادر می‌شد، در طی نوزده سال مورد بررسی ۵۱۱/۵ برابر رشد داشت. در صورتی که حجم صادرات فرش ایران به آمریکا در این مدت کمتر از ۱۲ برابر افزایش را نشان می‌دهد. فرش ایران در سال ۱۳۳۵/م تا ۱۳۳۵/م ۵۵ درصد بازار آمریکا را در اختیار داشت و این میزان در سال ۱۳۴۴/م تا ۱۳۴۴/م به ۴۱/۶ درصد کاهش یافت (جدول ۲-۱). در اینجا برخی از دلایل کاهش سهم ایران در بازار فرش آمریکا بعد از سال ۱۳۳۵/م تا ۱۳۳۵/م با استناد به تحلیلی که وزارت تجارت در دهه ۱۳۴۰/م تا ۱۳۴۰/م به هیئت وزراء نوشته است آورده‌ایم. از دلایل اصلی این موضوع رشد صنعت فرش‌بافی در بسیاری از کشورهای جهان از جمله چین، ترکیه، هند، ممالک شمالی آفریقا و برخی ممالک اروپا مانند بلغارستان، یونان و فرانسه بود که بخشی از نیازهای بازارهای جهانی را تامین کردند و به این ترتیب سهم ایران از سال ۱۳۳۵/م تا ۱۳۳۵/م به بعد کاهش یافت.^{۱۸} علاوه بر این رقبای ایران در بازار بین‌المللی فرش با فروش فرش‌های بدل و مشابه فرش‌های ایرانی در بازار آمریکا^{۱۹}

^{۱۶}- مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۰۰۴۱۷۱۹۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ن ۳ الف الف ۱، ص ۵. (۵)

^{۱۷}- مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۰۰۴۱۷۱۹۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ن ۳ الف الف ۱، ص ۵. (۵)

^{۱۸}- مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۰۰۴۱۷۱۹۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ن ۳ الف الف ۱، ص ۵. (۵)

^{۱۹}- مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۰۰۴۱۷۱۹۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ن ۳ الف الف ۱، ص ۵. (۵)

در بازار اروپا مانند هلند^{۲۰} بخشی از سهم ایران را به خود اختصاص دادند. از بارزترین این رقبا می‌توان به کشور چین اشاره کرد که از طرح و رنگ قالی‌های ایرانی در تولید فرش‌های خود استفاده و این فرش‌ها را در بازار به جای فرش‌های ایرانی عرضه کرد.^{۲۱}

از دیگر دلایلی که وزارت فلاحت برای افت فروش فرش‌های ایرانی در بازار آمریکا آورده است، عدم کیفیت مواد اولیه تولید فرش در ایران است. این وزارت در دهه ۱۹۲۰م/۱۳۴۰ق در این زمینه به هیأت وزراء می‌نویسد:

« به طور کلی در طول مدت این ۱۹ سال یعنی از ۱۲۸۶ [ش] الی ۱۳۰۴ [ش] واردات قالی ایران به آمریکا ۱۷ مرتبه و واردات قالی چین به آمریکا ۵/۱۱ مرتبه ترقی کرده است. در صورتی که اکثر قالی‌های اخیر الذکر به نام قالی ایران و یا بر اثر میل مردم به داشتن قالی‌های ایرانی و یا افلا طرح ایران در آمریکا به فروش می‌رسد و این نیست مگر در نتیجه عدم مراقبت در تکمیل و اصلاح فرش‌های ایرانی که به علت نادانی و عدم وجود وسائل و مصالح لازمه و مخصوصا برای جلب نفع آنی بیشتری، غالب صنعتگران قالی از حیث جنس و نقش و رنگ و بافت صرفه جوئی نموده و به واسطه استعمال مواد مضره از قبیل پشم‌های آهکی و بدجنس و رنگ‌های جوهری و نخ‌های بی‌دوام و نقشه‌های نامرغوب طوری نموده‌اند که دیر یا زود سکنه بزرگی به این یگانه متاع مهم ایران وارد خواهد شد.»^{۲۲}

کسوا ایران در آمریکا خیلی قبل تر یعنی در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۰ق ضمن اظهار نگرانی از به وجود آمدن نقصان در مهم‌ترین کالای صادراتی ایران به آمریکا برای تقویت صادرات فرش‌های با کیفیت پیشنهاد کرد که مهر مخصوصی از سوی گمرک ایران بر فرش‌های با کیفیت بزنند و برای از گردونه خارج کردن فرش‌های با رنگ مصنوعی و پشم‌های پوسیده از مهر کردن این فرش‌ها امتناع ورزند. دومین مساله‌ای که از سوی این کنسول مطرح شد عدم مطابقت رنگ و اندازه فرش‌های ایرانی با سلیقه آمریکائی‌ها بود که در سال‌های بعد به عاملی برای افت صادرات فرش ایران به آمریکا تبدیل شد.

از مقایسه متوسط سهم چهار کشور ایران، ترکیه، چین و هند در بازار آمریکا از سال ۱۹۰۷م/۱۳۲۵ق تا ۱۹۲۵م/۱۳۴۴ق می‌توان به این نتیجه رسید که ایران مهمترین صادر کننده فرش در دنیا همزمان با دوره قاجاریه بود. زیرا هرچند که ترکیه بشتین سهم را در بازار آمریکا در اواخر دوره قاجاریه داشت، اما قرار گرفتن ایران بعد از ترکیه به این دلیل است که بخش قابل توجهی از فرش ایران به صورت غیر مستقیم از طریق راه ترانزیتی ترکیه صادر می‌شد که در آمار صادراتی ترکیه به ثبت می‌رسید. به عنوان نمونه در سال ۱۹۰۷م/۱۳۲۵ق بیش از ۶۷ درصد از تولیدات فرش

^{۲۰} - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۶۵-۶-۹-۱۳۲۲ق. (۶)

^{۲۱} - مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۰۰۴۱۷۱۹۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ن ۳ الف الف ۱ ص ۵. (۵)

^{۲۲} - مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۰۰۴۱۷۱۹۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ن ۳ الف الف ۱ ص ۵ و ۶ (۵ و ۹)

ایران به ترکیه صادر شده است^{۲۳}. حتی در سندی از دوره قاجاریه از سوی یکی از مطلعین بازار اسلامبول در سال ۱۹۱۱/م ۱۳۲۹ق آمده است که؛

« به موجب استاتیسیتیک بندر باطوم، قالی‌هایی که از ایران به روسیه می‌رود غالباً به طور ترانزیت از روسیه عبور نموده و به اسلامبول می‌رود، می‌بینیم دلت عثمانی قریب نه عشر قالی‌های ایرانی را حمل می‌نمایند.»^{۲۴}

پس بنابراین باید به صادرات فرش ایران به عثمانی و به حضور تاجران ایرانی در اسلامبول که مشغول واردات فرش از ایران به ترکیه بودند توجه داشت^{۲۵} که در واقع بخش قابل توجهی از صادرات فرش ترکیه مربوط به صادرات فرش ایران به این کشور بود.

به لحاظ متوسط سهم کشورهای صادرکننده فرش به بازار آمریکا در سال‌های مورد بررسی، چین و هند در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. جالب است که علاوه بر این که صادرات چین در ۱۹ سال مورد بررسی ۵۱۱/۵ برابر ترقی داشت، اما این کشور به طور متوسط در طی این سال‌ها ۱۷/۲۵ درصد از بازار فرش آمریکا را در اختیار داشت که کمتر از نصف متوسط سهم ایران در این بازار بود. هند که در رتبه چهارم قرار داشت به طور متوسط کمتر از یک سوم صادرات ایران در این بازار نقش داشت.

رشد صادرات دیگر شاخص مقایسه‌ای در این زمینه است. کشور چین در بین چهار کشور مذکور بیشترین رشد در صادرات فرش به آمریکا در ۱۹ سال مورد بررسی را داشت. این کشور در سال ۱۹۰۷/م ۱۳۲۵ق سهم ناچیزی از بازار آمریکا را در اختیار داشت. سهم چین در این سال که معادل ۰/۱۷ درصد از بازار آمریکا بود، در سال ۱۹۲۵/م ۱۳۴۴ق به ۴۳/۵۶ درصد از این بازار یعنی ۲۵۶ برابر قبل از آن رسید (جدول ۲-۲). صادرات فرش ایران به آمریکا تا سال ۱۹۱۷/م ۱۳۳۵ق دارای سیر صعودی بود و پس از اینکه در این سال به سهم ۵۵ درصدی دست یافت، رو به کاهش گذاشت و تا سال ۱۹۲۵/م ۱۳۴۴ق به ۴۱/۶۸ درصد از این بازار رسید.

سیاست‌های تجاری و اقتصادی قالی قاجاری

پیتر آوری، نویسنده کتاب «تاریخ معاصر ایران» در بخشی از مقاله خود در این کتاب به وضعیت دوران تزلزل ناصرالدین‌شاه اشاره می‌کند، ضمن بررسی تحولات ارتش ایران از دوران آغامحمدخان تا شاهان بعدی، نگاهی به تحولات

^{۲۳} - جمال زاده، سید محمد علی. «گنج شایگان»، ۱۳۶۲. ص ۲۰.

^{۲۴} - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۵-۲۷-۱۱-۱۳۲۹ق. (۷)

^{۲۵} - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۴-۱۶-۰۹-۱۳۲۰ق. (۱۰)

جمعیتی ایران نیز دارد. او می‌نویسد که فقدان آمارهای دقیق، برآورد جمعیت را دشوار کرده است... به موازات توسعه تجارت، نیاز دولت به پول بیشتر شد. در معاهده ترکمانچای پرداخت غرامات جنگ به روسیه پیش‌بینی شده بود. به‌علاوه، دولت انگلستان پرداخت کمک مالی به ایران را در روابط جدید با این کشور گنجانیده بود. نیروهای نظامی ایران تا این زمان از افراد گارد سلطنتی و افراد متمرکز در پادگان‌ها تشکیل می‌شد. بنا به گفته ناظری چون کینر^{۲۶}، در اوایل قاجاریه، در هنگام جنگ افراد قشون را با سرعت از میان قبایل و افراد ابواب جمعی اشراف و اعیان برای خدمت به دولت فراهم می‌کردند. هر دو گروه از نفرات یادشده تجهیزات خود را به همراه داشتند، در حالی که این افراد در خدمت دائمی دولت بودند، دولت به احشام آنان علیق و به خود افراد برنج و کره و به افراد نیروی غیرقبیله‌ای لباس می‌داد. منتقل شدن پرداخت دستمزد کشاورزان سرباز، از مالک به دولت، تفاوت چندان را به وجود نمی‌آورد و در زمینی که ساکنان آن به گفته کینر همگی مسلح بودند، دولت نیازی به تامین اسلحه نداشت. این شیوه تدارکات دیدن قوا از این مزیت برخوردار بود که سربازان را با سرعت تدارک می‌دیدند؛ لکن اگر رهبر و فرمانده [نظامی] نمی‌توانست بین آنان اتحادی پدید آورد، به سرعت متلاشی می‌شدند. کارسازی این روش زمانی بود که فتوحاتی صورت می‌گرفت و امکانات چپاول زیاد بود. پس از اینکه آغامحمدخان توانست بر سراسر کشور مسلط شود و قفقازیه را به تصرف خود درآورد، توقفی در عملیات نظامی پدید آمد: فتح‌علیشاه اهل جنگ و رزم نبود و در پی شکست از روسیه، همان‌گونه که دیدیم، شاهزاده عباس میرزا دریافت که ایران نیاز به اسلحه جدید و ارتش نوینی دارد که به شیوه اروپایی تعلیم یابد. شاید، آرزوی بزرگ عباس میرزا این بود که ارتشی به وجود آورد که خود را مدیون دولت دانسته و از لحاظ ساز و برگ و مواجب متکی به دولت باشد. غیرقابل اطمینان بودن قشون و خطراتی که از پراکندگی افراد آن به لحاظ تجمع آنان و دست زدن به عملیات راهزنی وجود داشت، سیاست عباس میرزا را به خوبی توجیه می‌کند. این سیاست، برحسب اتفاق، شاید به تضعیف قدرت نظامی ایران انجامید چون که ارتش کوچک و جدید ایران که براساس ضوابط اروپایی کار می‌کرد و به تازگی تعلیم دیده بود، از قدرت قابلیت نظامی بی‌بهره بود؛ در حالی که واحدهای قشون آغامحمدخان در بسیاری از فتوحات خویش از این قابلیت برخوردار بودند. به‌علاوه در مواقعی که سازماندهی ارتش خوب نبود و مواجب به موقع نمی‌رسید، این ارتش با سرعت به یک دسته نامرتب و بی‌نظم تبدیل می‌گردید. با این وجود، به لحاظ موضوع مورد بحث در این فصل، نکته مهم این است که اصلاحات نظامی [عباس میرزا] سبب شد که دولت برای خریداری سلاح و داشتن یک ارتش ثابت نیاز بیشتری به پول پیدا کند.

علاوه بر محصولات کشاورزی و فرآورده‌های کوچک متفرقه که در اقلام صادرات آمد و گفته شد که کشاورزان به اندازه زمین‌داران، در نظام جدید بهره‌برداری از زمین، منتفع نمی‌شدند؛ مقداری کالای صنعتی نیز صادر شد که نشانگر درجه رشد صنعتی شدن شهرها بود. ارزیابی میزان جمعیت ایران در اوایل سده نوزدهم [اوایل قاجاریه] کار دشواری

26 – Kinner

است چون ارقام معتبری موجود نمی‌باشد. [سرجان] مالکم حتی بر غیرممکن بودن یک حدس و گمان از میزان جمعیت تاکید می‌کند و تخمین پینکرتون^{۲۷} جغرافیدان را مورد قبول قرار می‌دهد که جمعیت ایران را در سال ۱۸۰۰ به ۶,۰۰۰,۰۰۰ نفر برآورد کرده است. رقم شاردن^{۲۸} درباره جمعیت ایران در قرن هفده میلادی به ۴۰ میلیون نفر می‌رسد، لکن این رقم احتمالاً مبالغه‌آمیز به نظر می‌آید؛ با توجه به اینکه تلفات جمعیت ایران پس از شکست صفویه از افغانه در دو دهه اول سده هجده میلادی، بدون تردید بسیار زیاد بوده است، رقم ۶,۰۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت ایران در سال ۱۸۰۱-۱۸۰۰ از اشتباه کمتری برخوردار است. البته بایستی به خاطر داشت که علاوه بر یورش‌های افغانه به ایران و جنگ‌های بزرگ نادرشاه، تعداد زیادی از ایرانیان به هند مهاجرت کردند، به‌ویژه برخی از شعرا و دانشمندان و دست‌اندرکاران کشور برای بر خورداری از شرایط بهتر و سهل‌تر راهی هند شدند و بدون شک در این مهاجرت خدم و حشم خود را نیز بردند.

تخمین‌های جمعیت در آغاز عصر قاجاریه، نشان می‌دهد که شهر اصفهان با جمعیت تقریبی ۲۰۰,۰۰۰ نفر و رشد جمعیت که به گفته سرجان مالکم «ثمره اداره موثر این شهر بود که جمعیت را از مناطق دورافتاده به آنجا کشانید.» اصفهان نسبتاً از نفوس زیادی برخوردار بود. علاوه بر اصفهان که در آن زمان بزرگ‌ترین شهر ایران به شمار می‌رفت، سایر مراکزی مانند یزد، مشهد، کرمانشاه، کاشان، تبریز و قزوین با داشتن جمعیتی بین بیست تا بیست و پنج هزار نفر، از زمینه کافی توسعه بنیانی به عنوان هسته‌های رشد صنعتی برخوردار بودند، مثلاً کاشان از سوی کینر به عنوان شکوفاترین شهر توصیف شده و این شهر به خاطر پارچه‌هایش شهرت داشت (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۹، شماره ۲۰۸۸) ^{۲۹}.

سیاست‌های تجاری در دوره قاجار

عهد قاجار (مذاکره، اعتراض و دولت در ایران قرن سیزدهم) عنوان کتابی از ونسا مارتین، مورخ و ایران‌شناس انگلیسی است که با ترجمه حسن زنگنه توسط نشر ماهی منتشر شده است. مارتین این کتاب را در سال ۲۰۰۵ میلادی در لندن منتشر کرد و در همان نخستین روزهای انتشار مورد توجه مورخان و پژوهشگران قرار گرفت. در این کتاب نگارنده با تکیه بر آثار بی‌شمار - به فارسی و زبان‌های اروپایی - تلاش کرده بخشی از تاریخ قاجار را بر اساس رویکردی تحلیلی و جامع به نگارش درآورد. در همین رابطه مارتین در سال ۲۰۰۲ میلادی به شهرهای بوشهر، شیراز و اصفهان سفر کرده

27 - Pinkerton

28 - Chardin

29 - روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۲۰۸۸ - ۱۳۸۹

و ضمن بهره‌جویی از کتب و جراید و اسناد موجود در کتابخانه این شهرها، با مورخان و پژوهشگران محلی هم‌گفت‌و‌گو کرده است. او در «عهد قاجار (مذاکره، اعتراض و دولت در ایران قرن سیزدهم)» تلاش می‌کند به دو پرسش چگونه کشوری به وسعت ایران توانسته استقلال خود را حفظ کند و در خلال صدها سال- در قرن سیزدهم و قبل از آن- خود را از تسلط بیگانه برکنار دارد و مساله منشا انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۲۸۵، پاسخ گوید.

ایران از نظر اقلیمی منطقه‌ای خشک محسوب می‌شود و میزان بارندگی آن در مقایسه با بسیاری از ممالک، ناچیز است. به همین دلیل از دیرباز ایرانیان تحت شرایط خاص جوی سرزمین خویش قرار داشته و مبارزه سخت و پیگیر میان آنها و شرایط طبیعی در جریان بوده است استفاده از شیوه‌های مختلف برای دست یافتن به آب و نگهداری آن که از دوران باستان در ایران رواج داشته است بیانگر این مبارزه است ایرانی‌ها با استفاده از قنات اقدام به دستیابی به آب‌های زیرزمینی کردند تا مشکل کم‌آبی را رفع کنند.

این روش از ایران به دیگر ممالک خاورمیانه و سپس به شمال آفریقا راه یافت. (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۶-۳۲۶) از آنجا که به دست آوردن آب در ایران به سختی و با هزینه بالایی حاصل می‌شد، بنابراین دخالت مستقیم دولت و پرداخت هزینه‌ها لازم بود. در مواردی که جنگ یا اشغال نظامی رخ می‌داد یا از سوی دولتمردان در این زمینه اهمال کاری صورت می‌گرفت ضربه سختی به تاسیسات آب رسانی و در نهایت به کشاورزی وارد می‌شد. شاید در دوره نخستین شاهان قاجار (آغا محمد خان و فتحعلی شاه) که جنگ‌های داخلی و خارجی در جریان بود چنین بی‌توجهی نیز انجام گرفته باشد، ولی در دوره حکومت محمد شاه با صدارت حاجی میرزا آقاسی شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد، وی مشکل اصلی مملکت را خراب و وضع کشاورزان و فقدان عمران و آبادی می‌دانست و به همین جهت با به‌وجود آوردن روستاها، آباد کردن مزارع و به ویژه حفر قنوات و تغییر مسیر رودخانه کرج به تهران اقداماتی انجام داد.^{۳۰} جانشین او امیرکبیر در آغاز حکومت ناصرالدین شاه در این زمینه کارهایی انجام داد و در بخش‌های مختلف مملکت به آبیاری توجه زیادی کرد. وی سد ناصری را بر رودخانه کرخه در خوزستان احداث کرد. با این حال در سال ۱۸۸۲ م فقط در خوزستان یازده سد مخروبه وجود داشت و به رغم تصمیم‌هایی که برای ساخت مجدد آنها صورت گرفت، ولی هیچ‌کدام به نتیجه‌ای نرسید. از سوی دیگر اصلاحاتی که امیرکبیر در مورد مالیات انجام داد باعث شد که زمین‌های موات زیر

^{۳۰} چارلز عیسوی درباره ویژگی‌های این قنات‌ها و نقشی که در آبیاری زمین‌های کشاورزی ایران بر عهده داشتند و مخارج هنگفتی که برای نگهداری

این قنات‌ها لازم بود و تا کنون ادامه دارد، توضیح می‌دهد. برای اطلاع بیشتر ر ک تاریخ اقتصادی ایران ص ۳۶-۳۲۶

^{۳۱} رابرت گرانت واتسن، تاریخ قاجار، ترجمه عباسقلی آذری، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۰، خورشیدی، ص ۲۴۰، فرزام اجلائی، بنیان حکومت قاجار، نظام سیاسی ایلی و دیوانسالاری مدرن، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳، خورشیدی، ص ۷۹-۸۰ عیسوی، همان، ص ۳۱۷ حاجی میرزا آقاسی که در تمام دوره محمد شاه وزارت را بر عهده داشت از سوی نویسندگان زیاد مورد بحث قرار گرفته است و برخی درباره وی نظری کاملاً مخالف و برخی موافق دارند. ر. ک میرزا مهدی نواب طهرانی، دستور الاعقاب، تصحیح سید علی آل داوود، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۶، خورشیدی، حسین سعادت نوری، زندگانی حاج میرزا آقاسی، تهران، انتشارات وحید، بی‌تا.

کشت برود، ولی پس از مرگ وی زیاده ستانی‌ها آغاز گردید و به دنبال آن قحطی‌های سال‌های ۸۸-۱۲۸۶ (۷۲-۱۸۶۹) اکثر اراضی خالصه و اربابی بار دیگر به صورت اراضی موات در آمدند. (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۸-۳۱۷) البته اقدامات امیرکبیر در تمامی زمینه‌ها آنچنان اساسی و مهم بود که در صورت استمرار مطمئناً تاثیر بسزایی بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ ایران بر جا می‌گذاشت (آدمیت، ۱۳۶۲) ۳۲. پس از آغا محمد خان اراضی گسترده‌ای از مملکت به عنوان تیول به افراد واگذار شد. لمبتون در این باره می‌نویسد: اصطلاح تیول مانند زمان صفویه مشتمل بر انواع مختلف از عطایا بود. در بعضی موارد تیول عبارت بود از: اختصاص عوایدی که به مناصب معین تعلق می‌گرفت و در برخی موارد عبارت بود از اعطای زمین خالصه به جای حقوق و مواجب. در پاره‌ای از موارد خاصه در نواحی عشایرنشین تیولدار متعهد بود که قوای نظامی بنیجه فراهم کند در موارد دیگر تیول فقط عبارت بود از اعطای حق وصول مالیات ناحیه ای که یا زمین خالصه به شمار می‌رفت یا ملک شخص ثالث یا ملک کسی که تیول به او داده شده بود و در مورد اخیر معنی تیول معاف بودن از پرداخت مالیات بود. وی اضافه می‌کند که از انواع تیول‌های مذکور نوع دوم بیش از همه معمول و متداول بوده است (لمبتون، ۱۳۳۹: ۶۷-۲۶۱) ۳۳. به دست آوردن زمین برای مالک آن سود نسبتاً فراوانی داشت و وی را قادر می‌ساخت عده‌ای از ملازمان مسلح را به خدمت خویش بگمارد که به دنبال آن قدرت زیادی به دست می‌آورد. در حقیقت این مساله باعث می‌شد که مالکان عمده از حیثیت اجتماعی و قدرت سیاسی برخوردار شوند. از این رو در دوره قاجار بر عده زمینداران افزوده شد. ماموران حکومتی برخی تجار و کسانی که می‌توانستند سرمایه‌ای به کار اندازند افراد این طبقه را تشکیل می‌دادند (لمبتون، ۱۳۳۹: ۲۶۸) ۳۴. درآمدهای مالیاتی در دوره قاجاریه را به مقاطعه می‌گذاشتند. به‌هنگامی که عباس میرزا فرمانروای آذربایجان بود تا حدی این رسم را برانداخت. وی به تثبیت میزان مالیات ایالت بر اساس طبقه‌بندی منظم و مرتب و وصل آنها و اجرای این امر پرداخت. در ایران با توجه به اجرای عدالت، به دریافت مالیات می‌پرداختند. از آنجا که دستگاه قضایی و مالی مملکت تحت ریاست یک تن بود، بنابراین این اقتدار بسته به خلق و خوی او برای مردم شوم یا فرخنده بود. پیوسته از یک سو میان حاکم ولایت و قره نوکرهای او و از سوی دیگر روستاییان، ضابطان و کدخدایان کشمکش بود. در این میان دادن و گرفتن رشوه و انعام معمول و متداول بود. مساله‌ای که باعث بینوایی و تنگدستی دهقانان می‌شد، مالیات‌هایی بود که تحت عنوان تفاوت عمل از آنها می‌گرفتند. تفاوت عمل، مالیات‌هایی بود که دهقانان باید علاوه بر مالیات‌های معمول جهت مخارج و ابواب جمعی نواحی که در اختیار

۳۲- فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲ خورشیدی

۳۳- لمبتون، مالک و زارع در ایران، ۱۳۳۹، ص ۶۷-۲۶۱

۳۴- لمبتون مالک و زارع در ایران ص ۲۶۸، آقای فیوضات به خوبی متذکر می‌شود که بازرگانان مالک نخستین نمایندگانی بودند که پای سرمایه تجاری را به محصولات کشاورزی باز کردند. وی معتقد است که آمیختن کشاورزی با تجارت باعث متزلزل شدن پایه‌های اقتصاد ساده روستایی گردید و اولین گام برای پیوند زدن بازار و روستا به حساب می‌آید. برای اطلاع بیشتر رک ابراهیم فیوضات توسعه صنعتی و موانع آن در ایران، تهران، چاپخش، ۱۳۷۴، خورشیدی، ص ۱۲۱.

ماموران حکومت بود می پرداختند به مرور زمان این عوارض بر مالیات اصیل افزوده شد و با ماموران محلی به جهت تامین مخارج خود به جمع مبالغ بیشتری مبادرت کردند. خانم لمبتون به نقل از مالکوم می نویسد: زمین های خالصه را دهقانان طبق شرایطی که بسیار به صرفه کشاورزان بود زراعت می کردند. هنگامی که مامور دیوان مقدارغله را در محل معلوم می کرد اگر زارع بذری از دیوان گرفته بود به همان مامور پس می داد. سپس ده درصد از محصول را برای دروگر و خرمن کوب کنار می گذاشتند و مابقی به نسبت متساوی میان شاه و رعیت تقسیم می شد. مالیات زمین هایی که در تصرف افراد بود بر حسب وضع آبیاری محلی پرداخته می شد؛ تا آنجا که ممکن بود دهقانان را از کشت و زرع زمین های دیم دیوان باز می داشتند. اگر کشاورز در آن بذر عمل می آورد، شاه ۱۰ درصد آن را می گرفت. زمین های دیم اگر متعلق به اشخاص بود بندرت زراعت می شد. محصولات دیمی گاهی فراوان بود، ولی غالباً عمل نمی آمد. این نرخ های مالیاتی که به آن اشاره کردیم به غلات تعلق می گرفت و برنج را هم مشمول این قاعده می کردند. در مورد سایر محصولات باید دانست که بذر را فراهم می کرد و یک سوم محصول عاید دیوان می شد (لمبتون، ۱۳۳۹: ۲۸۲).

با وجود ضعف و انحطاطی که با سقوط صفویه در ایران رخ داده بود، ایرانیان در تولید و صادرات برخی محصولات کشاورزی همچون ابریشم، پنبه و تنباکو نقش داشتند و از این راه درآمدهای درخور توجهی به دست می آوردند. ابریشم که از دوره صفویه یکی از مهم ترین اقلام صادراتی کشور بود، در سده هجدهم به دلیل تورم شدید این محصول، در نیمه نخست سده نوزدهم افزایش شدیدی یافت. در نیمه دوم سده نوزدهم در سال ۱۸۶۴ به اوج خود رسید علت این توسعه، فعالیت شرکت های مختلف یونانی و سایر شرکت ها نظیر شرکت برادران رالی بود که وجوه لازم را در اختیار تولیدکنندگان قرار می داد. شیوع بیماری ماسکاردین در سال ۱۸۷۳ منجر به نابودی بخش قابل توجهی از ابریشم گیلان شد و آن را به یک سوم کاهش داد با این حال دولت مرکزی همان مالیات ارضی پیشین را از منطقه دریافت می کرد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۵۵). ضربه ای که به اقتصاد شمال ایران از نابودی ابریشم وارد آمد با کشت گسترده برنج و صادرات آن، جایگزین شد. از سوی دیگر کشت پنبه به ویژه از زمانی که جنگ های داخلی آمریکا آغاز شد، متناسب با نیاز کشورهای صنعتی گسترش یافت و در واپسین سال های سده سیزدهم و آغاز سده چهاردهم به یک چهارم ارزش صادرات ایران بالغ گردید (رزاقی، ۱۳۶۸: ۱۰-۱۱) ^{۳۵}. حتی عیسوی به نقل از میلیورن پنبه را در آغاز سده نوزدهم یکی از صادرات مهم بندر بوشهر ذکر می کند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۷۷). در نیمه نخست سده نوزدهم (۱۸۴۰) تنباکو نیز از مهم ترین اقلام صادراتی ایران به شمار می آمد که به هند، عثمانی و مصر صادر می شده است. در این زمان تنباکو در بیشتر قسمت های ایران کشت می شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۸۰).

اقتصاد ایران در سراسر دوره انقلاب مشروطه و پس از آن، همواره با الگوی بسیار نامتعادل از توزیع ثروت و درآمد مواجه بوده است و تقریباً همیشه قشر عظیم جمیت کشور در فقر و محرومیت به سر برده و تنها طبقات محدودی در

³⁵ - ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸، خورشیدی، چ دوم، ص ۱۱-۱۰

رفاه و آسایش مالی زیسته‌اند (عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۳۵)۳۶. دوره مورد گفت و گو، عصر تغییرات مستمر به سوی پیشرفت و رهایی از چنگال بحران‌های پیچیده و شوم اقتصادی نبود. بلکه دوران چالش‌های نامنظم و گاه خصمانه ناشی از تنش‌های داخلی و مداخلات خارجی به شمار می‌رفت که اوج آن منازعات گسترده در زمینه اصلاحات شوستر و اولتیماتوم ۱۲۹۰ خ/ ۱۹۱۱ م. روسیه به ایران بود. در نتیجه ایران نه فقر فراگیرش نسبت به گذشته کاهش یافت و نه کارگزارانی کارکشته و دلسوز داشت تا برنامه و بودجه‌ای برای اصلاح ساختار بفرنج اجتماعی و اقتصادی کشور تنظیم کنند. به علاوه اینک بیش از هر زمان دیگر جایگاهش در روابط بین‌المللی متزلزل شده بود. جمعیت کشور که به دلیل شیوع بیماری‌های همه‌گیر، سوء تغذیه، فقدان امکانات بهداشتی و... به کندی افزایش می‌یافت در این سالها به ۱۱ میلیون نفر رسیده بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۱۲) ۳۷، بی آنکه توزیع آن بر مبنای ۲۵٪ در شهرها، و ۲۵٪ عشایری و ۵۰٪ روستایی تغییر کند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۸). (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۱۲)۳۸.

در سراسر این دوره پرداخت‌ها دچار کسری مزمن بود و پیوسته بر میزان بدهی‌های خارجی افزوده می‌شد. در ساختار اقتصادی یا فنی - صنعتی کشور تحول بارزی رخ نداده بود. نزدیک به ۹۰٪ نیروی کار در کشاورزی و صنایع دستی روستایی اشتغال داشتند و ۱۰٪ باقیمانده به تجارت، خدمات دولتی و صنایع شهری مشغول بودند. توسعه شبکه راه‌ها، وسایل ارتباطی، بهداشت، آموزش و سایر تسهیلات زیربنایی ناچیز می‌نمود، اگرچه افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش در مقایسه با سایر بخش‌های زیربنایی سریعتر بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۱۲). بودجه - هر چند که در آن روزگار چیزی به معنای مصطلح این واژه وجود نداشت - عبارت بود از برآوردهایی از درآمدها و هزینه‌ها که در هیچ سالی درست در نمی‌آمد و همواره کسری داشت. بودجه‌های تخصیص یافته معمولاً کمتر از برآوردهای مربوط به آنها بود. میزان واقعی هزینه‌ها همواره بر میزان واقعی درآمدها فزونی داشت. در نتیجه دولت معمولاً از تأمین تعهدات مالی و بازپرداخت وام‌های خارجی عاجز بود. بخش مهمی از هزینه‌های دولتی به ارتش و سایر نیروهای امنیتی اختصاص داشت که آنها نیز به دلیل وابستگی‌هایشان کارآیی چندانی در انجام مسئولیت‌ها نداشتند.

روس و انگلیس هرگونه تلاش برای سر و سامان دادن به امور اقتصادی را ناکام می‌گذاشتند. سیر وابستگی ایران به بازار جهانی و تسلط کالایی استعمار با سرعتی بی‌مهار ادامه داشت. عمده‌ترین کالاهای وارداتی ایران مصنوعات صنعتی

۳۶- عظیمی، حسین. مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، چاپ چهارم، ص ۱۳۵

۳۷- کاتوزیان، محمدعلی (همایون). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران، نشر مرکز،

۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۱۲

۳۸- عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه ۱۲۱۵-۱۳۳۲ هـ.ق). ترجمه یعقوب آژند. تهران، نشر گستره، ۱۳۶۲، چاپ اول، ص ۴۸؛ کاتوزیان،

محمدعلی (همایون). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ص ۱۱۲

و عمده‌ترین صادراتش مواد خام، محصولات کشاورزی، نفت و صنایع دستی نظیر قالی بود. نزدیک به ۸۰ تا ۹۰ درصد مبادلات بازرگانی ایران با روس و انگلیس صورت می‌گرفت.

دیون خارجی ایران رقم کلانی را نشان می‌داد. در آغاز جنگ، ایران در مجموع میلیون بهره مقروض بود. به همین سبب دولت به ناگزیر معادل ۱/۳ تا ۱/۴ تمام مخارج خویش را تنها به عنوان ربح این وامها می‌پرداخت. طبیعتاً این وضعیت قدرت هرگونه حرکت و تدبیر در برابر قدرتهای مزبور را سلب می‌کرد و ایران را تا حد یک آلت فعل تنزل می‌داد. برای رهایی از این وضعیت و اصلاح عملی زیرساختهای مالی، استخدام مستشاران اقتصادی نظیر شوستر در دستور کار مشروطه‌خواهان قرار گرفت. اقدامات اصلاحی وی با توجه به حجم گسترده اختیاراتش که به مراتب از وزیر دارایی بلکه از مجموعه هیئت وزیران فراتر می‌رفت با منافع روسیه آشکارا تعارض یافت. در پی اولتیماتوم روسیه شوستر به ناچار ایران را ترک گفت. خزانه‌دار بعدی، «مورنارد» که با همان اختیارات شوستر یعنی نظارت و مداخله در همه ادارات دولتی به استخدام درآمد، اقتصاد ایران را تا جنگ جهانی تحت نظارت و در اختیار خارجیان قرار داد. زیرا وی برنامه کارش را به گونه‌ای تنظیم می‌کرد که گزارش محاسبات گمرک و خزانه قبل از آنکه به دولت ایران داده شود به دولت‌های روس و انگلیس تحویل می‌گردید (سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران).

رونق صنعت قالیبافی

رونق صنعت قالیبافی در اواسط دوره قاجاریه تحت تاثیر عوامل متعددی اتفاق افتاد. برای بررسی این موضوع به اوایل قرن ۱۳/م ۱۹ با توجه به اینکه نفت در اقتصاد ایران جایگاهی نداشت راه دیگری غیر از صادرات کالاهای تولیدی داخلی برای تامین مالی کالاهایی که از اروپا به ایران وارد می‌شد وجود نداشت. در اوایل این قرن به دلیل اینکه صادرات طلا و نقره با نداشتن منابع تولید آن در داخل کشور نتوانست ادامه پیدا کند، صادرات ابریشم خام از گیلان برای مدتی تا دهه ۱۲۸۰/م ۱۸۶۰ ق درآمد ارزی ایران شد^{۳۹}. در اواسط سال ۱۲۷۷/م ۱۸۶۰ ق بیماری کرم ابریشم در کشور شیوع یافت و از این سال به بعد با افت صادرات ابریشم در مدتزمان کوتاهی اقتصاد ایران ناچار شد به جستجوی منبع دیگری برای تامین مالی کالاهای وارداتی از اروپا برآید. در این سال‌ها تا سال ۱۳۱۹/م ۱۹۰۱ ق صادرات این کالا به یک چهارم

³⁹ - عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق). ترجمه یعقوب آژند. تهران، نشر گستره، ۱۳۶۲، چاپ اول، ص ۴۸؛ کاتوزیان،

محمدعلی (همایون). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ص ۱۶۳.

کاهش یافت. به طوریکه صادرات ابریشم خام از حدود ۹۸۶ هزار کیلو در سل ۱۸۶۴/م۱۲۸۱ق به ۵۶۲ هزار کیلو در سال ۱۸۶۵/م۱۲۸۲ق و بالاخره به ۲۳۹ هزار کیلو در سال بعد از آن رسید^{۴۰}.

همزمان با رکود تولید ابریشم در ایران، جنگ داخلی در آمریکا شروع شد و تولیدات پنبه آن برای صادرات به بازار اروپا کاهش یافت. این امر موجبات رونق پنبه کاری در ایران را فراهم کرد و کشت پنبه در سال‌های پایانی قرن ۱۹م/ اوایل قرن ۱۴ق در گرگان و خراسان افزایش یافت. اما این وضعیت تولید پنبه تداوم نیافت و پایان جنگ داخلی آمریکا، فقدان راه و وسایل ارتباطی ایران، بازار بین‌المللی پنبه ایران را که عمدتاً به روسیه صادر می‌شد از رونق انداخت و این کالا نتوانست نقش خود را به عنوان یک منبع برای تامین مالی واردات کالاها از اروپا به ایران ادامه دهد (سیف، ۱۳۷۳: ۱۶۴). علاوه بر پنبه تریاک نیز برای پر کردن خلأ صادرات ایران از سوی کشورهای اروپایی امتحان شد. استعمار انگلیس با تسلط بر بازار چین تصمیم گرفت که تریاک ایران را از طریق هندوستان به بازارهای چین بفرستد و به ازای آن کالاهای خود را در بازار ایران به فروش برساند. به این ترتیب صادرات تریاک از سال ۱۸۶۰/م۱۲۷۶ق با متوسط سالانه ۴۷ تن در سال شروع شد و بیست سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۰/م۱۲۹۷ق نزدیک به ده برابر رشد کرد و به اوج خود یعنی ۴۰۰ تن در سال رسید (سیف، ۱۳۷۳: ۱۶۴). اما به دلایلی که فراتر از بحث ما است، تولید تریاک نیز در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و سال‌های آغازین قرن بیستم کاهش چشمگیری پیدا کرد.

اقتصاد ایران و تجار و شرکت‌های خارجی برای جایگزینی کالای تولیدی داخلی برای صادرات، کالاهایی از جمله طلا و نقره، ابریشم خام، پنبه و تریاک را برای تبادل تجاری با کشورهای سرمایه‌داری اروپا و روسیه به کار گرفتند. اما آنطور که باید کالاهای مذکور نتوانستند تداوم مناسبات تجاری با این کشورها را برای جبران کسری موازنه صادرات و واردات تامین کنند. در این مقطع تاریخی بود که نگاه اقتصاد ایران که آن زمان نفت‌نقشی در آن نداشت به طور کلی به سوی تولید و صادرات فرش جلب شد و به رونق تولید و صادرات فرش دستباف کمک کرد و ارزانی نیروی انسانی در ایران و وجود تقاضا از سوی مرفهان اروپایی برای این صنعت دستی، شرایط مناسبی را برای رونق تجارت فرش ایران پیش آورد.

بر اساس اسناد باقیمانده از دوره قاجاریه در بسیاری موارد دیده شد که در دوره قاجاریه کشورهایمانند چین و عثمانی از شهرت فرش ایران سوء استفاده کرده و فرش‌های خود را با طرح و نقشه ایرانی به صورت تقلبی به مشتریان می‌فروختند. در کنار زیبایی طرح و نقشه فرش ایران، دوام فرش‌های مناطق مختلف فرش‌بافی در ایران نیز از شهرت بسزایی برخوردار بود و امتیاز مثبتی بود که فرش ایران را در بازار جهانی ممتاز می‌کرد و مشتریان فرش دستباف در انتخاب خود به این نکته توجه داشتند. در مجموع مزیت یکه تازی صنعت فرش‌بافی در دوران قاجاریه و توجه سرمایه

⁴⁰ - عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه ۱۲۱۵-۱۳۳۲هـ.ق). ترجمه یعقوب آژند. تهران، نشر گستره، ۱۳۶۲، چاپ اول، ص ۴۸؛ کاتوزیان،

محمدعلی (همایون). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ص ۱۶۳.

گذاران خارجی به تولید و تجارت فرش، این صنعت را به یکی از مهمترین صنایع ایران تبدیل کرد که در اواسط این دوره به بلوغ رسید و بخش مهمی از بازار بین المللی این کالا به فرش ایرانی تعلق گرفت.

اقتصاد ایران و تجار و شرکت‌های خارجی برای جایگزینی کلای تولیدی داخلی برای صادرات، کالاهایی از جمله طلا و نقره، ابریشم خام، پنبه و تریاک را برای تبادل تجاری با کشورهای سرمایه داری اروپا و روسیه به کار گرفتند. اما آنطور که باید کالاهای مذکور نتوانستند تداوم مناسبات تجاری با این کشورها را برای جبران کسری موازنه صادرات و واردات تامین کنند. در این مقطع تاریخی بود که نگاه اقتصاد ایران که آن زمان نفت نقشی در آن نداشت به طور کلی به سوی تولید و صادرات فرش جلب شد و به رونق تولید و صادرات فرش دستباف کمک کرد و ارزانی نیروی انسانی در ایران و وجود تقاضا از سوی مرفهان اروپایی برای این صنعت دستی، شرایط مناسبی را برای رونق تجارت فرش ایران پیش آورد.

در دوره قاجار با توجه به ایجاد روابط تجاری و سیاسی با کشورهای اروپایی، برخی شرکت‌های تولید قالی در مناطق مختلف کشور سرمایه گذاری کردند که از جمله آن می‌توان به کمپانی فرش زیگلر در تبریز و سلطان آباد، کمپانی قالی شرق که شعبه اصلی آن در ازمیر بود در شهرهای تبریز، کرمان، همدان و اراک به فعالیت پرداختند. در این دوران تاریخی تولیدکنندگان مختلفی در شهرهای کشور با تکیه بر تعهد و توجه به کیفیت، دست به تولید قالی زدند که می‌توان به عمواغلی (محمد و علیخان)، مخمل‌باف در مشهد؛ حیدرزاده، فرجی، اعلا‌باف، حاج جلیلو صدقیانی در تبریز و ارجمند در کرمان اشاره کرد. «آنتونی وین» در کتاب خود با نام «سه شتران روانه به اسمیرنا» که تاریخچه‌ای از کمپانی قالی شرق است بر خرید قالی‌های روستایی و عشایری و صادرات آنها به آمریکا و اروپا اشاره کرده است.

نتیجه‌گیری

طبق نتایج و آمار به دست آمده در دهه آخر دوره قاجار مطبوعاتی که در حوزه قالی اخبار یا مطالبی را منتشر کرده بودند اکثراً از نگاه سیاسی و حاکمیتی به قالی هنر-صنعت ایرانی توجه داشتند و با فاصله نزدیکی به بعد اقتصادی این قضیه چشم داشتند. بیشترین مطالب دارای موضوعات سیاسی بودند با ۳۵/۱ درصد و کمترین مطالب دارای موضوعات اجتماعی بود با ۱۸/۹ درصد. در بررسی مطالب موجود هیچ کدام از مطالب در مورد بخش فرهنگی قالی نبودند و از بعد فرهنگی مطلبی نداشتیم و تمرکز مطالب بر روی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مبحث قالی تمرکز داشت. مطالبی که به حوزه اقتصادی قالی اشاره داشت با ۳۲،۴ درصد وجود داشت. ۵،۴ درصد از مطالبی که در زمینه قالی مورد بررسی قرار گرفت هم با موضوع سیاسی بود و هم اجتماعی. به همین درصد از مطالب با موضوع اقتصادی-سیاسی بود. ۲،۷ درصد از مطالب دارای موضوع اجتماعی و اقتصادی بود.

در موضوع‌های فروش داخلی قالی با مبلغ ارزان و تهیه جهت ترقی کشور و استفاده از قالی در برگزاری جشن‌ها مشروطه، غارت‌های بارقالی، تون ریس و آلودگی آب شرب، انبارهای قالی تاسیس گارگاه‌های قالیبافی توسط بزرگان و به کارگیری بچه‌ها، مشکلات حمل و نقل - نبود راه آهن، شوسه و معطل بودن مراسلات قالی، کمبود قالی با توجه به وسعت کشور، آموزش قالیبافی، قیمت بالای قالی‌های آنتیک، صادرات کم قالی در مقابل واردات زیاد در متن ۱۰۰ درصد مستقیماً به نام ایران و یا بصورت مفهومی فقط به ایران اشاره شده است.

از بررسی‌های یادشده در متن نشریات زمان قاجار می‌توان به این مساله اشاره کرد که ایران در دوره قاجاریه با داشتن مزیت‌های فراوان در تولید و تجارت فرش دارای نقش برجسته‌ای در بازار جهانی این هنروصنعت داشته و تا جنگ جهانی اول بیشترین نقش را در تجارت جهانی قالی داشته است و سایر تولید کنندگان از جمله چین، ترکیه، هند در رده‌های بعدی قرار داشتند که بعد از جنگ بین الملل اول صادرات قالی خود را افزایش دادند. زیبایی و تنوع طرح و نقشه فرش ایران و دوام بالایی که داشت از مزیت‌های این کالا در برابر رقبای جهانی خود در این دوران بود و در بازار جهانی بود به تقویت نقش ایران در تجارت بین المللی این کالا انجامید.

اواخر دوره قاجاریه، همزمان با رونق تجارت قالی، رقابت نزدیکی بین تعدادی از کشورهای که نامشان یاد شد در تصاحب بازارهای جهانی به وجود آمد. ایران از مهمترین صادر کنندگان قالی در این دوران بود. اوج صادرات فرش ایران در سال‌های پایانی دوره قاجاریه اتفاق افتاد. در دوران قاجاریه با به وجود آمدن شرایط ایده آل برای تجارت بین المللی فرش ایران، این کالای صادراتی توانست نقش مهمی را در بازار جهانی ایفا کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- آلفونس، تره زال (۱۳۶۱)، یادداشت‌های ژنرال در سفر به ایران (سال‌های ۱۷۸۰-۱۸۱۲ م)، عباس اقبال، تهران: فرهنگ.
- آمارهای سر هوتوم شیندلر، ژنرال ارتش ایران، ج دوم، به نقل از کرزن.
- اجلالی، فرزام (۱۳۷۳)، بنیان حکومت قاجار، نظام سیاسی ایلی و دیوانسالاری مدرن، تهران: نی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، کیکاووس جهانداری، تهران: تهران خوارزمی.
- جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی (۱۳۸۴)، تهران: اختران.
- دانشنامه بریتانیکا (۱۹۱۰)، چاپ یازدهم.
- دوبد، بارون (۱۳۷۱)، سفرنامه لرستان و خوزستان، محمد حسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۸)، اقتصاد ایران، دوم، تهران: نی.
- زولوتارف، ژنرال آ.م (بی تا)، مقاله ایران، ایران و قضیه‌ی ایران، ج ۳.
- سعادت نوری، حسین (بی تا)، زندگانی حاج میرزا آقاسی، تهران: وحید.
- سفرنامه شاردن، ج ۴، شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی.
- سفرنامه لایارد (۱۳۷۶)، مه‌راب امیری، تهران: انزان.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران: چشمه.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۴)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، چهارم، تهران: نی.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران قاجاریه، یعقوب آژند، تهران: گستره.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹)، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار: ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق، یعقوب آژند، دوم، تهران: گستره.

- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر، منوچهر امیری، تهران: توس.
- کاتوزیان، محمدعلی (همايون) (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، دوم، تهران: مرکز.
- کرزن، جرج ن (۱۳۶۲)، ایران و قضیه ی ایران، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، مجدالاسلام (۱۳۶۳)، تاریخ انحطاط مجلس، به نقل از مقدمه دوره روزنامه های شرف و شرافت، تهران: یساولی.
- لمبتون، آن کترین سواينفورد (۱۳۳۹)، مالک و زارع در ایران، منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و کتاب.
- مدودف، کلنل ای. (۱۹۰۹)، سن پترزبورگ.
- معتضد، خسرو (۱۳۶۶)، حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، تهران: جانزاد.
- مهدوی، هوشنگ (۱۳۵۵)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیر کبیر.
- مهمید، محمد علی (۱۳۶۱)، پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران قبل از هخامنشیان تا پایان قاجاریه، تهران: میترا.
- ناطق، هما (۱۳۵۸)، مصیبت وبا و بلای حکومت، تهران: گستره.
- نواب طهرانی، میرزا مهدی (۱۳۷۶)، دستور الاعقاب، تصحیح سید علی آل داوود، تهران: تاریخ ایران.
- واتسن، رابرت گرانت (۱۳۴۰)، تاریخ قاجار، عباسقلی آذری.
- یار شاطر، احسان (۱۳۸۴)، تاریخ و هنر فرشبافی در ایران، ر.علی خمسه، تهران: نیلوفر.

منابع سایت:

سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

Cultural, Artistic and Commercial Policies of Iranian Rug in Qajar Era

Azar Rasouli^{۴۱}

Omid Ali Masoodi^{۴۲}

Ali Delavar^{۴۳}

Abstract

During the Qajar era, after establishing a relative calm during the reign of Fath Ali Shah and Nasir al-Din Shah Qajar, the headstock was made for the production of exquisite Persian rugs. In this era, European travelers attracted the attention of businessmen and people of Europe and the United States to Iran's handmade rug. In the mid-19th C.E. / 13th A.H. centuries, an evolution in the production of Persian rugs for the supply of the world market occurred and foreign companies were interested in investing in Iran's rug production and trade. Following these developments, some of the countries that had the advantage of handmade carpet industry were thinking of developing this industry and entering into the field of competition in international trade. This competition grew in the global market since the First International War, and large carpet manufacturers have always been competing to takeover global markets, especially the European and American markets. The countries of China, India and Turkey were among the most important rivals of Iran, which in the last years of the Qajar era were able to increase their share of the international carpet market.

By studying news, content and media ads over the past times, we notice that during the Qajar era, especially during Ahmad Shah and Mohammad Ali Shah, the issuance of Iranian carpet was relatively high compared to the rival countries. A review of the press of this time has confirmed that part of the press has been introducing and helping to overcome the problems facing Iran's rug. The sovereign look and the issues that

⁴¹ PhD student azar.rasouli@gmail.com

⁴² Supervisor oamasoodi@yahoo.com

⁴³ Advisor delavari.ali@yahoo.com

journalists of that period endorsed is notable. That's why the problem in this research is that, how has been the content of ads, news and the process of presenting these ads and reports and that how were the issues raised and discussed, and perhaps the strategies ahead in that era, so by using that information can codify a strategic plan in the field of media as well as in the field of executive work of the country's rug.

Research Objectives:

1. Qajar era policies on Iranian rug.
2. Review of cultural and artistic policies of the Qajar era.

Research Questions:

1. What orders did the rulers give during the Qajar era regarding the export of handmade carpets?
2. What were the executive policies on the subject of rug art during this period?

Keywords:

Culture, Rug, Qajar, Art, Iranian.

